

بغض که می کنی انگار

باران

گرفتارِ ابرهای توست

تا بوده اسب تارنده ایم به انتهای جاده ی وهم

تا بوده زارزنان از این زمانه ی بی رحم

با اسبِ بی سوارِ بازگشته گفته ایم

تا بوده بادبان بر کشیده به سوی باد رفته ایم

و در سواحل بیگانه پهلو گرفته ایم

مستِ باده ی فتح چه بوده ایم؟

×

پیاله دیگر کن

عزیزِ عمر مانده ی من!

نه کشتیِ بادبانی نه جاده ی وهم

تمام این دریا را شناکنان برویم.

برای چشمهای تو

نوشته شده توسط Administrator
جمعه ۲۳ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۵ -

دریا چه روشن است

وقتی که ماه

گرفتارِ چشمهای توست!

واشیگتن، ۳ آبان ۹۴